

نوشته: سیدمحمد اعرابی
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

شمای کلی انسان‌شناسی

نظام ادراکات

اصولاً اینکه ما به انسان با چه دیدی نگاه کنیم و نظام هستی و مافیها را چگونه تفسیر نمائیم در تمامی حرکات، اعمال، بایدها و نبایدهایمان اثری تام و تمام دارد. علاوه بر اینکه آیا دنیا فقط ماده است و یا ورای ماده، امور دیگری نیز هستند؟ آیا نقش انسان در هستی همانند سایر موجودات است؟ انسان حاکم است یا محکوم؟ مختار است یا مجبور؟ دامنه حد و حصر جبر و اختیار کجاست؟ اصلاً در این دنیا چه می‌کند و دنبال چه می‌گردد؟ آیا برای او عقاب و ثوابی متصور است؟ و... انسان در حیات دنیوی خویش بطور مدام در حال فعالیت بوده و همیشه در حال موضعگیری است و رفتارهای متعدد و متنوعی را انجام می‌دهد و سؤال مهم این است که آیا این موضع و رفتارهای متعدد و متنوع با هم مرتبط و منسجم‌اند یا خیر؟ و در هر صورت چگونه شکل می‌گیرند؟ اصولاً رفتارهای انسان تابع چیست؟ و ریشه‌های آن در کجا نهفته است؟ چگونه است که انسانها حتی در شرایط یکسان رفتارهای متفاوتی را انجام می‌دهند؟

هر کدام از مسائل فوق جوابهایی دارد و هر جواب و فرضی که بپذیریم گستره و جهت حرکت نیز متناسب با آن تغییر می‌یابد، روشن است که هر کدام از آنها با دیگری تفاوتی بس ژرف و عمیق دارند. البته همه اینها به شرطی است که بین اعتقادات، ارزشها و اعمال خویش ارتباط و انسجام قائل شده و خود را ملزم به عینیت بخشیدن به ارزشهای خویش بدانیم. بنابراین در ابتدا دیدگاه خویش را روشن می‌نمائیم تا با روشن شدن مفاهیم، توان آنها را افزایش داده و با یافتن منطق و بیانی مشترک در این مسیر گام برداریم.

بنابراین بحث این قسمت را با نظری به مسئله «اختیار» آغاز نموده و در ادامه به تبیین اجمالی نظام تعلقات و نظام ادراکات پرداخته و در نهایت تبعیت رفتار از ادراکات و تعلقات را نتیجه خواهیم گرفت.

طلب و اختیار

عالم وجود و جهان آفرینش، مخلوق خداوند متعال و حکیم است که حضرتش کمال مطلق است و هر آنچه که اراده حضرت حق به خلق آن تعلق گرفته برای جهتی و بسوی کمال و غایتی است و حرکت و تغییر هستی قانونمند و در جهت غایت است.

خداوند انسان را اشرف مخلوقات قرار داده و هدف از خلقت نیز به کمال رسیدن مخلوق می‌باشد. انسان بعنوان اشرف مخلوقات کمال خواه، آرمانمند، مختار و مسئول می‌باشد. حرکت در مسیر کمال و تعالی بدون علم و آگاهی نسبت به روابط بین پدیده‌ها و حاکمیت بر آنها مقدور نیست، زیرا انسان با آگاهی و حاکمیت بر روابط می‌تواند آنها را در جهت نیل به کمال و تعالی بخدمت گیرد.

از طرف دیگر تحصیل علم و آگاهی نیز مستلزم داشتن «اختیار» است و در صورت جبری بودن فعالیتها شناسائی و علم و آگاهی بر روابط بی‌معنی بوده و «حاکمیت بر روابط» مفهومی نخواهد داشت. وجود قوه اختیار در انسان و مختار دانستن وی در انتخاب هدف، مسیر و ابزار حرکت، اقتضا می‌کند که بستر حرکت وی در عالم نیز بگونه‌ای باشد که امکان تحقق اختیار وجود داشته باشد. از این رو است که جهان هستی با اراده حضرت حق سبحانه و تعالی بگونه‌ای ایجاد شده که هم زمینه انتخاب راه حق و هم امکان حرکت در مسیر باطل برای بشر فراهم باشد. لازم به تذکر است که اختیار انسان حوزه و دامنه محدودی دارد گرچه دامنه اختیار قابلیت محدودیت و گستردگی دارد لیکن اصل اختیار انسان هیچوقت و بهیچوجه از وی سلب نمی‌شود.

تعلقات

جریان اختیار در بشر از قوه طلب محض آغاز می‌شود و آن قدرتی است که انسان توسط آن می‌تواند موضوعات متعدد و مختلفی را طلب نماید. در حقیقت طلب محض، منشاء و سرآغاز حرکت انسان بسوی مطلوب اوست. و علیرغم تعدد و تفاوت خواستهای یک فرد، قدرت اختیار است که خواستهای مختلف را منسجم و هماهنگ می‌نماید. آنچه که می‌تواند بعنوان مبنا برای تنظیم رابطه و نسبت بین طلبها معرفی شود «طلب شامل» است که طلبهای دیگر انسان حول آن جایگاه خویش را یافته و در نتیجه همه طلبها بصورت جلوه و مرتبه‌ای از آن (طلب شامل) درمی‌آیند.

«طلب شامل» اصلیتین و مهمترین «اختیار» است که طی آن انسان یکی از دو امر تقوی یا هوی را بعنوان «طلب شامل» اختیار می‌کند و بدین ترتیب جهت کلی حرکات انسان (تقوی یا هوی) تعیین می‌گردد. با انتخاب «طلب شامل» (تقوی یا هوی) سایر طلبها حول آن تقدم و تاخر یافته و جایگاه و تناسب ویژه‌ای که با آن «طلب شامل» مناسب است می‌یابند و بدین ترتیب یک کل هماهنگ و منسجم از طلبها که حول محور «طلب شامل» شکل گرفته‌اند حاصل می‌شود که بدان «نظام تعلقات» اطلاق خواهیم نمود.

ادراکات

ادراکات واسطه بین تعلقات و رفتار است و در واقع تجلی تعلقات در رفتارهای انسان از مجرای ادراکات می‌گذرد.

انسان بطرف گوناگون در خود حالتی می‌یابد که آن حالت ادراک نامیده می‌شود مثلاً با مشاهده شیئی

تصویری از آن در ذهن حاصل می‌شود این صورتهای و نقشهای ذهنی، ما را با اشیاء خارجی مربوط نموده و نسبت بدانها آگاه می‌سازد، پس ادراک صورتی است از معلوم در ذهن از اینرو در تعریف آن گفته‌اند:

«العلم هو صورة الحاصلة من الشئ عند العقل»

«ادراک عبارتست از صورتی که از یک شئی در ذهن پدید می‌آید.»

ادراکات انسان دارای صور و مراتب مختلفی است در مقاله حاضر از سه جنبه بر آن نظر کرده‌ایم.

۱- منبع ادراکات

۲- ابزار ادراکات

۳- موضوع ادراکات

۱- منبع ادراکات

به نص صریح قرآن کریم، انسان در لحظه تولد چیزی نمی‌داند و از طرفی انسان در حیات دنیوی خویش به ادراکاتی دست می‌یابد، قهراً این سؤال مطرح است که ادراکات انسان از کجا و از چه منبعی و چگونه حاصل می‌شود؟

البته با توجه به شناخته‌های متفاوتی که پایه مکاتب مختلف را تشکیل می‌دهد. در این رابطه نیز دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. ولیکن در اینجا بلحاظ رعایت اختصار صرفاً به ارائه برداشتی از منابع اسلامی و کتب اندیشمندان اسلامی پرداخته‌ایم. که در آن از منابع ادراکات تحت سه عنوان نام برده و در ذیل به طرح مختصر آنها می‌پردازیم:

۱/۱- عالم روح

۱/۲- عالم معقول

۱/۳- عالم محسوس

۱/۱- عالم روح

بالاترین منبع ادراک، عالم روح است که تعیین کننده‌ترین منبع ادراک بشر است. برای اکثر انسانها خصوصاً پرستش کنندگان خدا و معتقدان به اصالت وحی کاملاً روشن است که در زندگی بشر الهاماتی واقع می‌شود که درجه کامل و عالی آن وحی است که به اعماق روح بشری اتصال می‌یابد.

۱ / ۲- عالم معقول

یکی دیگر از منابع ادراک بشر، عالم معقول است که حقایق و مستقلات عقلیه در این عالم جای می‌گیرند، به واسطه این منبع ادراکات از ظواهر به بواطن نفوذ می‌کند و روابط نامحسوس ادراک می‌گردد. برای مثال توالی اشیا اموری محسوس است ولی ادراک «علیت و معانی... امری محسوس نبوده بلکه در عالم معقول جای دارد.»

۱/۳- عالم محسوس

سومین منبع ادراک، عالم محسوس و طبیعت است یعنی عالم جسمانی، عالم زمان و مکان منظور از عالم محسوس، جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. دستور مکرر قرآن کریم به مطالعه روی جهان، موجودات و جوامع بشری بیانگر حصول نوعی ادراک و معرفت از این طریق است.

۲- ابزار ادراکات

از ابزار ادراکات مفهوم قوای ادراک کننده را منظور داریم با توجه باینکه برای ادراکات سه منبع ذکر نمودیم هر کدام از آنها نیز ابزار خاص و متناسب خود را می‌طلبند زیرا که «هر قوه‌ای، فقط صورتی را ادراک می‌کند که با آن متحد است»؛ و با ابزارهای بیگانه و نامناسب نمی‌توان از منبعی خاص بهره جست. لزوم ابزار برای ادراک و خاص بودن آنها برای هر یک از منابع، خود جلوه‌ای از قانونمندی و نظم و انسجام جهان و روابط علت و معلولی در آنست.

ابزار ادراک از عالم روح، قلب بوده و ابزار بهره‌گیری از عالم معقول و عالم محسوس نیز بترتیب عقل و حواس انسان است، بنابراین

| | |
|---------------------------|-----------|
| ابزار ادراک از عالم روح | ۲/۱- قلب |
| ابزار ادراک از عالم معقول | ۲/۲- عقل |
| ابزار ادراک از عالم محسوس | ۲/۳- حواس |

می‌باشد.

۳- موضوع ادراکات

تا به حال برای ادراکات سه منبع ذکر نموده و برای بهره‌گیری از هر کدام نیز ابزاری خاص عنوان کردیم. از آنجا که ادراکات انسان موضوعی دارد و تلاش وی نیز برای ادراک آن موضوعات است، واضح است که از منابع و ابزار متفاوت ادراک، یک امر واحد حاصل نمی‌شود بلکه تفاوتها و تمایزهایی بین ادراک حاصله از منابع و ابزارهای سه گانه وجود دارد که بفرآخور منبع و ابزار عبارتند از:

| | |
|------------------|----------|
| ۳/۱- مقولات قلبی | (حالات) |
| ۳/۲- مقولات نظری | (مفاهیم) |
| ۳/۳- مقولات عینی | (اشیاء) |

با عنایت به آنچه گفته شد مفاهیم مورد نظر را می‌توان چنین تعریف نمود:

- ادراکات قلبی: بخشی از ادراکات است که از عالم روح بواسطه قلب حاصل شده (شامل مجموعه اعتقادات

و معارف و...) می‌باشد.

- ادراکات نظری: بخشی از ادراکات است که بوسیله عقل از عالم معقولات استنباط شده و شامل کلیه مفاهیم نظری علوم عقلی و ارزشها و احکام است.

- ادراکات حسی: ادراکاتی که از طریق حواس و از عالم محسوسات درک و به ذهن راه می‌یابد.

نمود بحث ادراکات را می‌توان در جدول و نمودار شماره (۱) ملاحظه نمود:

| عنوان | منبع | ابزار | موضوع |
|--------------|------------|-------|--------|
| ادراکات قلبی | عالم روح | قلب | حالات |
| ادراکات نظری | عالم معقول | عقل | مفاهیم |
| ادراکات حسی | عالم محسوس | حواس | اشیاء |

جدول شماره (۱)



نمودار شماره (۱)

قائل شدن به محدودیت شناخت و ادراک به هر یک از مراتب سه گانه ادراک (ادراکات قلبی، نظری، حسی) موجب نقض شناخت و ادراک بشر می‌باشد زیرا هر کدام از اینها دارای قلمرو خاصی هستند که دیگری در آن راه ندارد. البته قائل شدن به قلمروهای متفاوت ادراکات قلبی، نظری، حسی به معنی نفی ارتباط بین آنها نیست بلکه ارتباطی تنگاتنگ و متقابل بین آنها برقرار است و همگی آنها در «ذهن» جای می‌گیرند، که هر سه مرتبه آن با هم ارتباطات منظم و منسجم داشته و یک کل واحد و نظام هماهنگ را تشکیل می‌دهند، که در آن، ادراکات قلبی،

حاکم بر ادراکات عقلی بوده و ادراکات عقلی نیز حاکم بر ادراکات حسی می‌باشد. بعنوان مثال در یک فرد الهی، طلب شامل «تقوی» است و نظام تعلقات حول محور تقوی در جهت کسب رضایت حق تعالی شکل گرفته و بنابراین نظام ادراکات وی تابع نظام تعلقات خواهد بود که در آن ادراکات قلبی جلوه‌ای از نظام تعلقات بوده و ادراک نظری وی راهنمای وصول به آرمانهای الهی را محاسبه و در نهایت ادراکات حسی نیز اطلاعات لازم از طبیعت و جهان خارج را کسب می‌نماید که حاصل این مجموعه در عینیت بصورت رفتار متجلی می‌شود.

گفته شد نظام تعلقات انسان حول محور «طلب شامل» شکل گرفته و نظام ادراکات انسان بصورتی هماهنگ و تابع «نظام تعلقات» شکل می‌گیرد. از آنجا که ادراکات واسطه باورها و اعمال انسان است لذا رفتار انسان بصورت تابعی از ادراکات و در نتیجه تابع تعلقات و هماهنگ با آنها شکل می‌گیرد.^۷ بدین ترتیب روشن می‌شود که آثار حاصله از رفتارهای انسان نیز حول طلب شامل شکل گرفته و در عینیت نیز کلیه مظاهر زندگی فردی و اجتماعی به صورتی سازماندهی و طراحی می‌شوند که جلوه‌ای از جهت اختیار شده (تقوی یا هوی) باشند همانطور که تمدن مادی موجود در دنیا در خدمت اهو و امیال شیطانی و هماهنگ با آن طراحی شده است.

خلاصه و جمع بندی

در دیدگاه پرستش کنندگان خدا، هستی و مافیها مخلوق خداوند باری تعالی است. نظام هستی دارای غایت و حکمتی است که حرکت و تغییر در آن قانونمند بوده و در جهت غایت می‌باشد. انسان به عنوان اشرف مخلوقات، کمال خواه و آرمانمند، مختار و مسئول بوده و برای وصول به کمال، نیازمند علم می‌باشد تا بتواند بر روابط حاکمیت پیدا کند. لازمه حصول علم، ناشی از اختیار است و بران اختیار بر وی از «قوه طلب محض» آغاز می‌شود. اصلیتین و مهمترین اختیاریه، طلب تقوی یا هوی است که جهت کلی حرکات وی را تعیین می‌کند.

تعلقات انسان حول محور طلب شامل (تقوی یا هوی) شکل می‌گیرند و این جهت کلی همراه و همزمان با تبدیل تعلقات به ادراکات وارد ذهن شده و ادراکات را جهت می‌بخشد.

در تعریف ادراک گفته شد که ادراک صورتی معلوم از اشیاء در ذهن است و از سه منبع (عالم روح، عالم معقول، عالم محسوس) نشأت می‌گیرد و هر منبعی واجد ابزار و موضوع خاصی است. لذا ادراکات متشکل از سه حوزه ادراکات قلبی و ادراکات عقلی و ادراکات عینی است که در آن ادراکات قلبی حاکم بر ادراکات نظری و آن نیز حاکم بر ادراکات حسی است.

ادراکات انسان واسطه تجلی تعلقات در رفتار می‌باشد و از این طریق است که انسجام تعلقات، ادراکات، رفتار حاصل می‌شود و در واقع رمز رشد و موفقیت هماهنگی و انسجام آنهاست والا حرکت بدون انسجام باور، ذهن، عمل، حاصلی جز تشتت و پریشانی درون و برون ندارد.

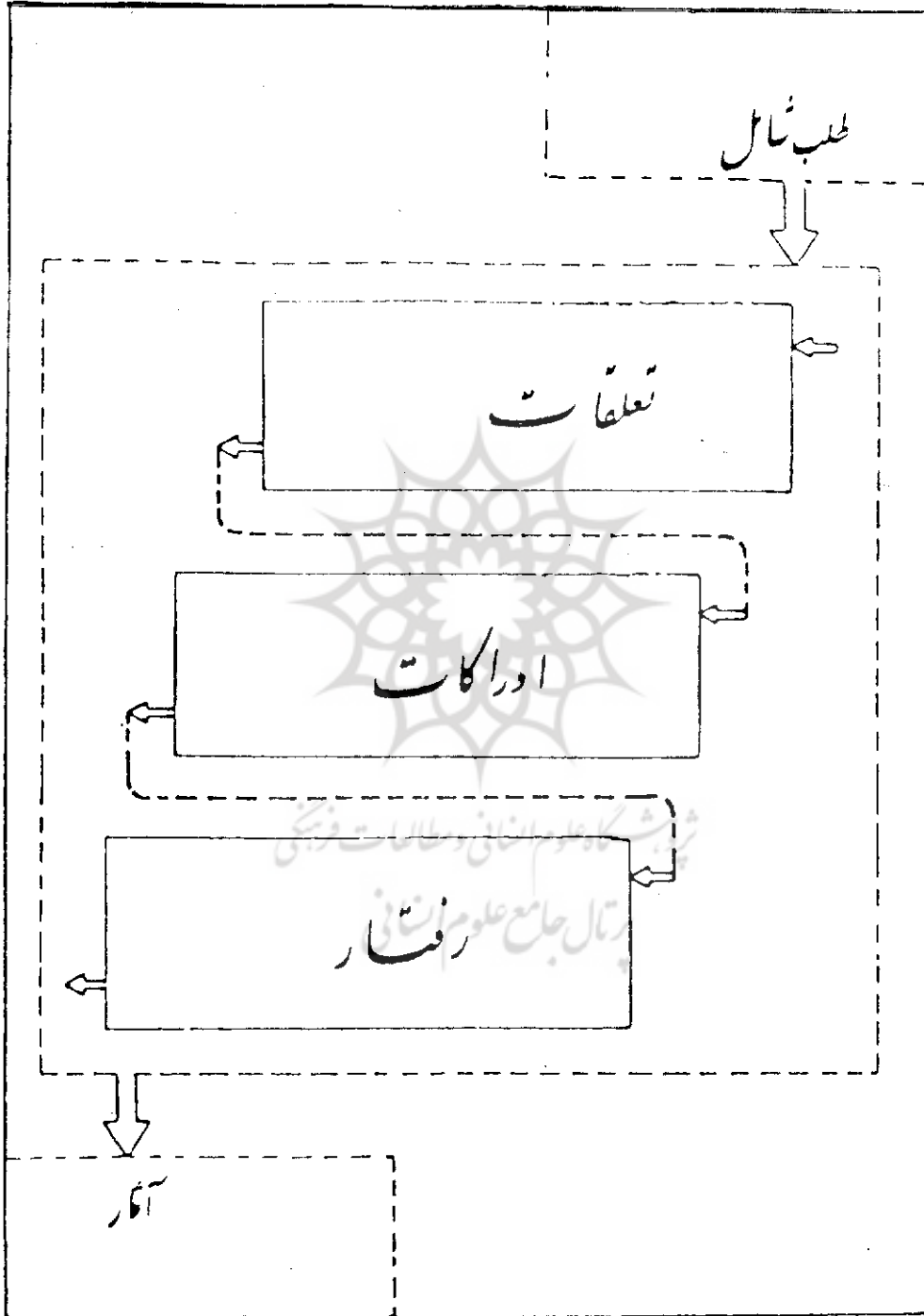
شمای اجمالی بحث در نمودارهای (۲) و (۳) آمده است.

یادداشتها

- ۱- استاد شهید مرتضی مطهری - آشنائی با علوم اسلامی و منطق و فلسفه - ص ۲۹ - انتشارات صدرا - ۱۳۵۸
- ۲- لازم به ذکر است که این دسته‌بندیها یک امر انتزاعی و تجریدی است که برای تبیین مطلب انجام شده و به معنی قابلیت تجزیه عینی ادراکات و تفکیک ذهن بر سه بخش مجزا نیست.
- ۳- سوره نحل (۱۶) آیه ۷۸ و ۷۹... اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا...
- ۴- آیات متعددی از قرآن کریم بر این مطلب دلالت دارند که در اینجا به دو نمونه بسنده می‌کنیم: سوره عنکبوت آیه ۶۹ و سوره انفال آیه ۲۹
- ۵- از براهین قرآنی بر وجود این منبع به همین بسنده می‌کنیم که آیات متعدد دعوت به تعقل و تدبّر و تفکر شده است.
- ۶- استاد شهید مرتضی مطهری - «مقالات فلسفی» - انتشارات حکمت - صفحه ۱۶۹.
- ۷- ناگفته نماند که تعادل و انسجام مواضع و رفتار انسان با شدت اعتقاد و تعلق، ارتباطی مستقیم دارد به هر اندازه که انسان در اعتقاد خویش به طلب شامل راسخ‌تر باشد انسجام تعلقات، ادراکات و رفتار وی نیز بیشتر خواهد بود و به هر اندازه که در اعتقادش سست باشد تشتت و تلون در مواضع وی مشهودتر خواهد بود که موجب انفعال حرکات انسانی و غلبه شرایط بر وی خواهد بود. در حالیکه شدت طلب موجب حاکمیت انسان بر شرایط و ظهور حرکتی تکاملی خواهد بود بطوریکه همانند بنیان مرصوص و جبل راسخ همه چیز را برای وصول به طلب شامل وسیله دیده و در راه رسیدن بدان استقامت می‌ورزد.

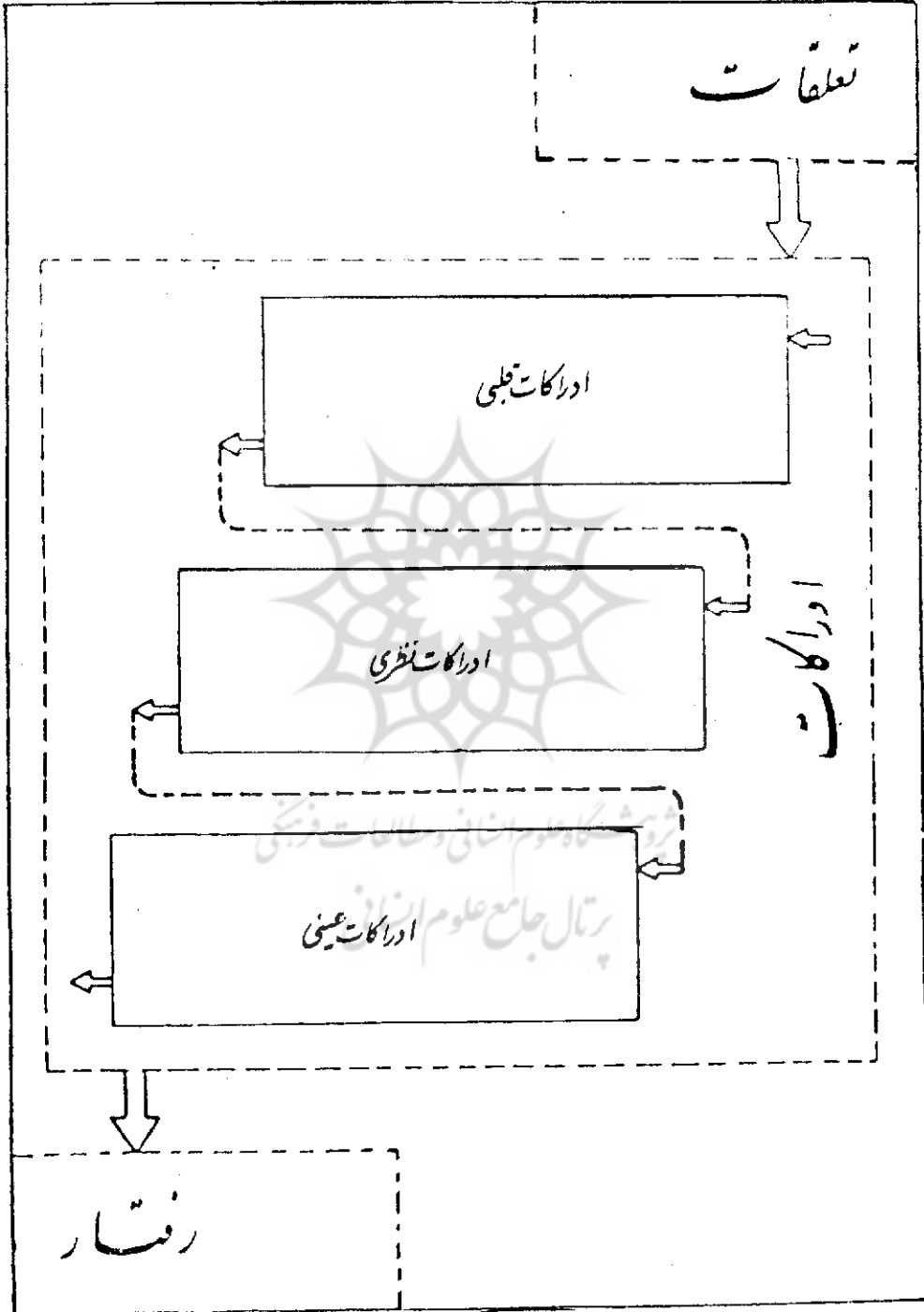
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شمای کلی بحث انسان‌شناسی



نمودار شماره (۲)

شمای کلی بحث انسان‌شناسی



نمودار شماره (۳)